

تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت با تأکید بر اجتماع‌محوری و توانمندسازی

نویسندگان: مهدی رحیمی نسب^۱، محمد سلیمانی^۲، احسان ولدان زرقانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۱/۱۷

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

با توجه به ناکارآمدی و شکست برنامه‌های متمرکز و سیاست‌های بالا به پایین دولتی برای کاهش فقر و محرومیت، اقبال به برنامه‌های اجتماع‌محور مبتنی بر توانمندسازی برای مبارزه با فقر بیشتر شده است. در رویکرد اجتماع‌محور، توانمندسازی محرومین و مشارکت آن‌ها در فرایند رفع فقر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماع‌محور که در سال‌های اخیر فارغ از سیاست‌های دولتی با هدف رفع محرومیت در کشور به فعالیت می‌پردازد، حرکت‌های داوطلبانه جهادی است که اقشار مختلف جامعه بدان مبادرت می‌ورزند. کنکاش پیرامون پژوهش‌های صورت گرفته در باب حرکت‌های جهادی نشان می‌دهد که این حوزه علی‌رغم ظرفیت‌های بی‌شمار از فقر علمی و پژوهشی رنج‌برده و الگوی جامع و مدونی برای اثرگذاری بیشتر و بهتر ندارد؛ از این رو پژوهش حاضر در راستای دستیابی به الگوی مناسب حرکت‌های جهادی دلالت‌های رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور در رفع فقر را مورد تأکید قرار می‌دهد. بدین منظور در ابتدا ساختار و ظرفیت‌های هریک از رویکردهای اجتماع‌محوری و توانمندسازی برای مقابله با فقر و محرومیت مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته و پس از ارائه وضعیت موجود حرکت‌های جهادی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل نظری منابع، دلالت‌های این دو رویکرد برای دستیابی به الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی استخراج گردیده است. در ادامه پژوهش و در مسیر طراحی الگوی مطلوب مبتنی بر دلالت‌های مستخرج در مرحله قبل، از الگوی تحلیل کیفی گروه کانونی، به‌عنوان پرکاربردترین روش کیفی تحقیق و پژوهش در مطالعات اجتماعی، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مقام تحقق محرومیت‌زدایی و مقابله با فقر، توجه به سه بعد اقتصادی تولید، توزیع و مصرف ضروری است؛ لذا در راستای تعریف وظایف و مأموریت‌هایی منسجم و دقیق برای حرکت‌های جهادی، در این مقاله الگوی جامع حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت در سه بعد تولید، توزیع و مصرف پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی:

حرکت‌های جهادی، الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی، فقرزدایی، اجتماع‌محوری، توانمندسازی

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، m.rahimi@isu.ac.ir

۲. عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، solimani@isu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه السلام، valadan@isu.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

فقر و محرومیت همواره یکی از معضلات و چالش‌های اصلی بسیاری از جوامع در حال پیشرفت بوده است. مفهوم فقر و محرومیت در طول زمان دچار تحولات و پویایی‌هایی شده است به نحوی که از تعبیر ساده فقر درآمدی^۱ به تعبیر پیچیده‌تر فقر قابلیتی^۲ گذار کرده است (Sen, 1985). در دیدگاه فقر درآمدی، محرومیت از درآمد را فقر تعریف می‌کنند این در حالی است که در رویکرد قابلیت، فقر به مثابه محرومیت از قابلیت شناخته می‌شود. برخوردار نبودن از قابلیت‌های اساسی موجب می‌شود که افراد در بسیاری از موارد حتی در صورت بهره‌مندی از درآمد کافی نتوانند نیازهای خود را برطرف سازند (Sen, 1999).

در کنار توسعه مفهومی فقر و محرومیت، راهکارها و سیاست‌های مقابله با آن نیز تحول یافته‌اند. رویکردهای پیشین کاهش فقر نگاهی بالا به پایین^۳ یا بیرون به درون^۴ تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا داشتند (ESCAP, 2003). ناکارآمدی و شکست برنامه‌های متمرکز و سیاست‌های از بالا به پایین دولتی^۵ برای کاهش فقر که از دهه ۱۹۷۰ میلادی بیشتر نمایان شد و همین‌طور ناکارآمدی برنامه‌های بازار محور^۶ در این خصوص، نگرش اجتماع محور^۷ به توسعه و کاهش فقر مبتنی بر رویکرد توانمندسازی^۸ را رونق بخشیده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ص ۸۹). در رویکردهای جدید تأکید بر تقویت و تحکیم همکاری بین بخش‌های عمومی و داوطلبانه در برآوردن نیازها از طریق رویکرد مبتنی بر اجتماعات محلی است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴).

رویکرد اجتماع محور نسبت به حل معضل فقر و محرومیت از جدیدترین رویکردهای کاهش فقر است که در دهه اخیر مورد توجه بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران قرار گرفته است و در مقابل رویکرد دولت محور قرار می‌گیرد. در این رویکرد بر نقش بخش داوطلبانه و نهادهای اجتماع محور در کاهش فقر و نابرابری تأکید می‌شود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۰). این نهادها دارای ظرفیت‌های نوآوری، پاسخگویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب می‌باشند و این ویژگی‌ها مزیت نسبی آن‌ها در پیشبرد توسعه در سطح محلی محسوب می‌شود (Christiansen, 2005 Slaymaker).

1. Income poverty
2. Capability poverty
3. Top-down
4. Outside-inside
5. Government based
6. Market based
7. Community based
8. Empowerment



از سوی دیگر اغلب رویکرد اجتماع محور با واژه توانمندسازی همراه می‌شود. چنین استدلال می‌شود که طرح‌های اجتماع محور با طراحی مناسب، پتانسیل توانمندسازی جوامعی چون گروه‌های فقیر و حاشیه‌نشین را دارا می‌باشند و هم‌چنین ارتباطات بین جامعه شهروندی و دولت را تقویت و تحکیم می‌کنند (Narayan, 1995; Alkire et al., 2004). در واقع اصل در حل مسئله و معضل فقر و محرومیت، اتکا بر توانمندسازی است و این بدان معنی است که مشکل فقر جوامع بایستی «به‌وسیله»، «برای» و «با» کمک همه افراد اجتماع محلی مرتفع شود؛ بنابراین طرح‌ها و فرایندهایی که هدف آن‌ها افزایش توانمندی افراد جوامع محروم و مستضعف در رفع نیازهایشان است و این مهم را از طریق مشارکت این جوامع به ثمر می‌رسانند، با دو وصف «توانمندسازی» و «اجتماع محوری» شناخته می‌شوند. در این میان استفاده از ظرفیت‌های مشارکت ساز نهادهای مردمی، مسیر روشنی را در جهت توسعه اجتماع محور، به‌ویژه در مناطق محروم ایجاد می‌کند (مقیمی، ۱۳۸۳). مشارکت این نهادها، به‌عنوان نهادهای داوطلبانه و غیرانتفاعی در توسعه اجتماع محور، حکایت از پیدایش تمرکززدایی، تفویض اختیار در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد که در نهایت به حذف دیوان‌سالاری در سطح ملی می‌انجامد (Bowles, 2008).

یکی از نهادهایی که طی سال‌های گذشته فارغ از سیاست‌های دولتی و به‌صورت داوطلبانه و با مشارکت اقشار مختلف مردم در راستای محرومیت‌زدایی و مقابله با فقر به فعالیت پرداخته است، حرکت‌های جهادی بسیج است. حرکت‌های داوطلبانه‌ای که دانشجویان، طلاب، دانش‌آموزان و دیگر اقشار جامعه بدان مبادرت می‌ورزند. متأسفانه تلاش‌های صورت گرفته در قالب حرکت‌های جهادی برای دستیابی به هدف رفع محرومیت الگوی مشخصی نداشته و علی‌رغم ویژگی‌های بالقوه این حرکت‌ها مانند جوانی، چالاکی، انعطاف عمل، تنوع و تکثر مأموریت‌ها، بومی و مسئله محور بودن، هنوز از یک چارچوب منسجم و الگویی هدفمند برای اثرگذاری هرچه بیشتر برخوردار نیستند (مقصودی، ولدان، ۱۳۹۴). در واقع هر چند در سطح خرد این حرکت‌ها اثرات مثبت فراوانی داشته‌اند؛ اما از منظر کلان و سیستمی، نیازمند الگویی هستند که بتوانند به نحو فراگیر سطح فقر را کاهش دهد. کنکاش پیرامون پژوهش‌های صورت گرفته در باب حرکت‌های جهادی نشان می‌دهد که این حوزه علی‌رغم ظرفیت‌های بی‌شمار از فقر علمی و پژوهشی رنج می‌برد، مسئله‌ای که در عمل منجر به کاهش کارایی این حرکت‌ها شده است.

با توجه به توفیق رویکرد اجتماع محوری با جهت‌گیری توانمندسازی در رفع محرومیت و فقر، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از دلالت‌ها و تجربیات این رویکردها در



غنی‌سازی حرکت‌های جهادی و طراحی الگویی مناسب برای آن‌ها می‌تواند راهگشا باشد. از این‌رو مسئله اصلی این پژوهش استخراج راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی مدل‌های اجتماع‌محور در حوزه حرکت‌های جهادی می‌باشد. لازم به ذکر است که قالب‌بندی حرکت‌های جهادی نیز تناسب ساختاری با رویکردهای اجتماع‌محور و مبتنی بر توانمندسازی در رفع محرومیت را دارا است.

بر همین اساس در پژوهش حاضر در گام اول تلاش می‌شود پس از تبیین ویژگی‌های رویکرد اجتماع‌محور و توانمند ساز در محرومیت‌زدایی و مبارزه با فقر، دلالت‌های آن برای الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی استخراج شده و در گام دوم با استفاده از روش تحلیل کیفی گروه کانونی، به‌عنوان پرکاربردترین روش کیفی تحقیق و پژوهش در مطالعات اجتماعی، الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در ابعاد مختلف تولید، توزیع و مصرف مبتنی بر دلالت‌ها و تجربیات رویکردهای توانمندسازی اجتماع‌محور ارائه گردد.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش:

۲-۱- ادبیات نظری

همان‌طور که در بخش مقدمه مقاله ذکر گردید، هدف از انجام این پژوهش آن است که الگویی مطلوب برای حرکت‌های جهادی مبتنی بر رویکردهای توانمندسازی و اجتماع‌محوری به دست آید؛ اما بی‌شک گام نخست در طراحی این الگو، مطالعه ظرفیت‌ها و ساختار رویکردهای مذکور و همچنین شناخت ساختار موجود حرکت‌های جهادی خواهد بود.

۲-۱-۱- رویکردهای اجتماع‌محور در محرومیت‌زدایی

رویکرد اجتماع‌محور برنامه‌های کاهش فقر شاید یکی از جدی‌ترین رویکردهایی محسوب می‌شود که در دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اجتماع‌مداری رویکردی است که در سال‌های اخیر نه تنها حوزه مقابله با فقر، بلکه تمامی حوزه‌ها و برنامه‌های توسعه را نیز درنوردیده است. به‌نحوی که امروزه کمتر حوزه و برنامه توسعه‌ای را می‌توان یافت که این پسوند را به همراه نداشته باشد؛ رفاه اجتماع‌مدار، مشارکت اجتماع‌مدار، مدیریت اجتماع‌مدار، توریسم اجتماع‌مدار و حتی پلیس اجتماع‌مدار از آن جمله‌اند. در این میان برنامه‌های فقرزدایی نیز بی‌نصیب نمانده‌اند (جباری، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴).

بر پایه این رویکرد، برنامه‌های کاهش فقر تنها وقتی مؤثر خواهند بود که مردم اجتماع‌های محلی خود به سرمایه‌گذاری و کاربرد منابع درونی متعهد شوند. این رویکرد



روش‌های پیشین کاهش فقر را که بانگ‌های از بالا به پایین یا از بیرون به درون تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا می‌شد به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و نقش متخصصان را تا سطح تسهیل‌کننده^۱ تنزل می‌دهد تا بدین ترتیب حداکثر مشارکت جوامع را برای طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش فقر جلب کند (ESCAP, 2003). این برنامه‌ها به فقرا امکان می‌دهند تا خود فقرا که در پیوند با فصل با محیط فقر زا هستند، برای کاهش و کنترل فقر تلاش کنند. از سوی دیگر، از اوایل دهه ۱۹۹۰ که رویکردهایی همچون توانمندسازی جامعه مدنی و حکمرانی خوب^۲ نیز وارد ادبیات توسعه شد، بار دیگر و بیش از همیشه نقش و جایگاه جامعه و توسعه محلی در برنامه‌های کاهش فقر اهمیت یافت (جباری، ۱۳۸۴). رویکرد اجتماع محور نسبت به مسائل اجتماعی، از جمله فقر، ذیل دیدگاه جامع‌تری قرار دارد که بر مشارکت فقرا در شناخت فقر و راه‌های کاهش و کنترل آن تأکید می‌کند. در واقع، بر اساس رویکرد مشارکت طلبانه در تعریف و سنجش فقر، این فقرا هستند که بر پایه زندگی روزمره و شرایط واقعی که در آن به سر می‌برند مؤلفه‌ها و شاخص‌های فقر را توضیح می‌دهند و پس از توانمند شدن، در پی جستجوی راه‌هایی برای گریز از فقر برمی‌آیند. این رویکرد انسانی نسبت به فقرا موجب شده تا تجربه‌ها و دانش قابل توجهی در این زمینه انباشت شود که یکی از آن‌ها «بسیج اجتماعی و اعتبارات خرد» است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۱). مدل بسیج اجتماعی برای نیل به اهداف خود از سه رویکرد:

- ۱- توسعه سازمان‌دهی و نهادی فقرا، ۲- شکل‌گیری سرمایه و منابع مالی برای فقرا و
- ۳- توسعه مهارت‌های آنان بهره می‌گیرد (UNDP, UNOPS, 2011, p11).

۲-۱-۲- نقش توانمندسازی در محرومیت‌زدایی

راهبرد توانمندسازی، بخشی از مباحث وسیع‌تر پیرامون حکمرانی خوب شهری^۳ است (ایران دوست، ۱۳۸۶، ص ۸۸). بر اساس رویکرد توانمندسازی، دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می‌یابند (Pugh, 2002, p 328). توانمندسازی به معنای توسعه و بسط دارایی‌ها و قابلیت‌های افراد فقیر برای مشارکت، تأثیرگذاری و نفوذ و کنترل نهادهایی است که زندگی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Stern, 2002).

حاصل توانمندسازی، توسعه اجتماع محلی است که نوعی نگرش به توسعه از پایین است و از طریق سازمان‌های غیردولتی قابل تحقق است. زیربنای این امر، سازمان‌دهی اجتماع محلی و بسیج قابلیت‌های درون‌زای اجتماع است. در این راستا، بهره‌گیری از

1. Facilitator
2. Good Governance
3. Urban Good Governance



سرمایه اجتماعی^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد (فنی، ۱۳۸۸، ص ۹۰). برای توانمندسازی در این معنا نیاز به مقتدر سازی است که به مفهوم گسترش آزادی در انتخاب و عمل، افزایش امکانات و دارایی فقرا جهت مشارکت بیشتر، اعمال نظر، کنترل و حفظ پیوند با نهادهای مسئولی است که در زندگی آن‌ها تأثیرگذار است (فنی، ۱۳۸۸، ص ۹۲).

توانمندسازی در مفهوم عام خود سه جنبه کلی را دربر می‌گیرد. اول در چارچوب توانمندسازی بازار، دوم توانمندسازی سیاسی که از راه تمرکززدایی اداری-اجرایی، اصلاح نهادی-مدیریتی و به کارگیری سازمان‌های غیردولتی^۲ و سازمان‌های مبتنی بر جوامع محلی^۳ حاصل می‌شود. سوم، توانمندسازی اجتماع محلی که از سوی دولت‌های محلی و ملی برای هماهنگی و تسهیل کوشش سازمان‌های محلی برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های آن‌ها از راه‌های اصولی دنبال می‌شود (Burgess et al., 1997, p144)؛ اما مبتنی بر برنامه‌های فقرزدای اجتماع محور می‌توان توانمندسازی فقرا را از سه بُعد مورد بررسی قرارداد:

۱- توانمندشدن اجتماعی^۴: بر اساس آن گروه‌های هدف از طریق افزایش پایگاه و با انجام فعالیت‌هایی همچون تشویق احساس جمع‌گرایی و هم‌بستگی گروهی، افزایش مداخله و مشارکت در تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک، تقویت مهارت‌های مدیریتی و افزایش مشارکت گروه‌های محروم در فعالیت‌های اجتماعی توانا می‌شوند؛

۲- توانمندشدن مالی^۵: با تأکید بر کسب خودکفایی اقتصادی از طریق افزایش فعالیت اقتصادی، تدارک دسترسی به اطلاعات، فناوری و منابع خارجی و تقویت ظرفیت‌های محلی به افزایش توانایی‌های مالی و اقتصادی جوامع منجر می‌شود؛

۳- توانمندشدن سیاسی^۶: با افزایش مهارت‌های رهبری، حمایت از طرح نظر افراد، تقویت ظرفیت مقابله با استثمار و افزایش توانایی برای ورود به ساختار جریان سیاسی، ظرفیت گروه‌های هدف برای کسب توانایی مداخله در امور سیاسی را افزایش می‌دهد (UNDP/UNOPS, 1995).

۲-۱-۳- حرکت‌های جهادی

در کشور ما تعداد کثیری از دانشجویان، طلاب، دانش‌آموزان و دیگر اقشار جامعه فارغ از سیاست‌ها و اقدامات دولتی همه‌ساله در قالب گروه‌های جهادی به مناطق محروم و مستضعف کشور هجرت می‌کنند و به صورت داوطلبانه به فعالیت‌های گوناگونی

1. Social Capital

2. NGOs

3. CBOs

4. Social Empowerment

5. Financial Empowerment

6. Political Empowerment



می‌پردازند تا از این طریق مشکلات و معضلات مردم این مناطق را برطرف سازند و به بهبود زندگی آنان کمک کنند (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵). حرکت‌های سازمان‌یافته اقشار مختلف مردم برای حضور فعال در مناطق محروم که باهدف خودسازی جهادی و خدمت‌رسانی اجتماعی انجام می‌شود، تحت عنوان اردوهای جهادی شناخته می‌شوند (اخوان، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین اهداف گروه‌های جهادی ناظر به رفع محرومیت و فقر از مناطقی است که بر خورداری کمتری از امکانات و فرصت‌ها داشته و وضعیت معیشتی آن‌ها نامناسب است. گروه‌های جهادی غالباً اقدامات و فعالیت‌هایی در زمینه‌های مختلف عمرانی، آموزشی و فرهنگی انجام می‌دهند. در ادامه به تشریح مختصر عرصه‌های مختلف حرکت‌های جهادی مبتنی بر تجربیات موجود پرداخته شده است:

الف) حرکت‌های جهادی عمرانی: حرکت‌های جهادی عمرانی آن دسته از فعالیت‌ها و خدمات جهادی را شامل می‌شود که باهدف تأمین برنامه‌های رفاه اجتماعی و اجرای امور زیربنایی در بخش‌های مختلف ساختمانی، تأسیسات و... در جهت عمران و آبادانی مناطق مختلف کشور و فراهم کردن زمینه‌های معیشت مردم این مناطق صورت می‌پذیرد. کلیه فعالیت‌های عمرانی که دارای شرایط عام‌المنفعه، زودبازده و کم‌هزینه باشند، حرکت جهادی عمرانی محسوب می‌شود: (ایران دوست، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

ب) حرکت‌های جهادی علمی و آموزشی: حرکت‌های جهادی علمی در دو فرآیند خلاصه می‌گردد: (۱) ابتدا حرکت‌های جهاد گونه در جهت کسب علم و تلاش جهادی برای آماده‌سازی بستر کسب علم و فراهم کردن فرصت‌های علم‌آموزی در مناطق مختلف کشور. در این زمینه حرکت‌های جهادی در جهت پرورش علمی و شکوفایی استعداد‌های علمی به فعالیت و برنامه‌ریزی می‌پردازند و امکانات لازم جهت این امر را فراهم می‌سازند. (۲) مسئله بعد این است که علم کسب‌شده در مسیر حل مسائل و معضلات کشور مورد استفاده واقع شود و این امر در صورتی تحقق می‌یابد که امکان پژوهش مسئله محور فراهم گردد (قنبری، اخوان، ۱۳۹۰).

ج) حرکت‌های جهادی فرهنگی: حرکت‌های جهادی در حوزه فرهنگی به معنای تلاش مستمر و بی‌وقفه به منظور اصلاح و مهندسی خلیات و عادات و رسوم و افکار و به‌طور کلی نهادهای موجود در میان افراد جامعه به جهت هماهنگی بیشتر با تعالیم دینی و آموزه‌های اسلامی و ایجاد بستری مناسب برای اجرای احکام الهی است. از آنجاکه کار جهادی در حوزه فرهنگ به آداب و رسوم و اخلاقیات افراد جامعه برمی‌گردد و طبیعت تغییر در این امور زمان بر است؛ لذا کار جهادی در این حوزه به پشتکار و استقامت بسیار بالا و استمرار نیازمند است (اخوان، ۱۳۸۹).



در عین ارزشمند بودن و مفید واقع شدن وضعیت موجود فعالیت‌های جهادی، غفلت از ظرفیت‌های محلی و وابسته کردن مناطق محروم به مناطق برخوردار و ناتوانی اجتماع محلی برای ارائه راهکارهای بومی باعث نقش موقت و مسکن برای چنین فعالیت‌هایی می‌شود. از همین رو با بهره‌گیری از دلالت‌ها و تجربه برنامه‌های توانمندسازی اجتماع محور در راستای مبارزه با فقر در جهان در ادامه تلاش می‌شود الگویی بهینه برای حرکت‌های جهادی در راستای مبارزه با فقر ارائه شود.

۲-۲- پیشینه پژوهش

موضوع مقابله با فقر، از زوایای مختلفی مورد کنکاش و دقت نظر قرار گرفته است. توسعه اجتماع محور با تأکید بر توانمندسازی اقشار مختلف، در سال‌های اخیر به موضوع مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه توسعه بدل شده است. در ادامه تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد پژوهش در داخل و خارج کشور به‌عنوان پیشینه تحقیق ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱- مطالعات مرتبط با حوزه مورد پژوهش

نویسندگان (سال) - روش	اهداف پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
ظریفیان، امیرانی (۱۳۸۲) - مطالعه اسنادی، با روش توصیفی	نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی	در این مقاله کوشش شده تا ضمن بسط کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، به بررسی نقش آن‌ها در روند توسعه روستایی به‌عنوان بخش اساسی یک جامعه به‌ویژه جوامع در حال توسعه پرداخته شود.
جباری (۱۳۸۴) - روش‌های تحلیل ثانوی و تحلیل مقایسه‌ای	بررسی نقش رویکردهای اجتماع مدار در برنامه‌های کاهش فقر	ضمن مرور سه ابتکار «رویکرد نیازهای اساسی توسعه»، «بسیج اجتماعی و اعتبارات خرد» و «صندوق‌های اجتماعی» در متون و تجربیات بین‌المللی و همچنین پیگیری این ابتکارات در سطح کشوری، به مقایسه تحلیلی سه ابتکار پرداخته است. ایشان در پایان آینده این ابتکارات را در چگونگی پاسخگویی هر یک از آن‌ها به چالش‌های عمدتاً تکرارپذیری و پایداری می‌داند.
قانع‌راد (۱۳۸۴) - روش مطالعه اسنادی و تحلیل	مطالعه رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی و رفاه اجتماعی	ایشان در پایان پژوهش خود ضمن ارزیابی قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و بیان تأثیرپذیری این قانون از رویکرد توسعه اجتماعی در سیاست‌ها و مواد قانونی مربوط به فقرزدایی و رفاه اجتماعی، بر ضرورت‌های گسترش رویکرد توسعه اجتماع محور در فقرزدایی و سامان‌دهی نظام رفاه اجتماعی در ایران تأکید می‌کند.



نویسندگان(سال)-روش	اهداف پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
عبداللهی (۱۳۸۴) -روش تحلیل مضمون	تحلیل مشارکت تشکل‌های مردمی و محلی در برنامه‌ریزی‌های تسهیل‌گری پیرامون توسعه پایدار روستایی	وی در بررسی خود به این نتایج می‌رسد: میان عضویت در تعداد تشکل‌ها، ارتباط بیشتر با منابع اطلاعاتی، مشوق‌ها، دیدگاه‌شوراها به برنامه‌های آموزشی-ترویجی، دانش‌فنی شوراها در مورد توسعه پایدار و شدت تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
علی‌الحسابی (۱۳۹۰) -روش کیفی.	نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی	نقش و حضور مردم و کارشناسان در هدف‌گذاری و تبیین سیاست‌های توسعه روستایی را توأمان و ضروری معرفی نموده و این واقعیت را خاطر نشان می‌نماید که به‌رغم آنکه روستائیان ماهنوز وارد سطوح بالای مشارکت مانند خودانگیختگی نشده‌اند، اما در بسیاری از جوامع روستایی ظرفیت ارزشمند و بالایی جهت مشارکت فعالانه وجود دارد که بهره‌گیری از آن سرعت و کیفیت توسعه و عمران روستاها را دوچندان خواهد ساخت.
فیروزآبادی و جعفری (۱۳۹۵) -ابزار مصاحبه عمیق، مشاهده و بررسی مدارک	احصاء قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع محوری روستایی	یافته‌های ایشان نشان می‌دهد که گروه عباد فعالیت‌های تبلیغی‌اش را به حوزه احکام و مناسک دینی محدود نکرده، به‌طوری‌که با گسترش فعالیت‌هایش در عرصه‌های اجتماعی و تربیتی و نیز با تعمیق ارتباطات خود با جامعه روستایی، تبدیل به گروهی مرجع در روستای مورد مطالعه شده است.
کاواوی (۲۰۰۱) -تحلیل مفهومی آثار حوزه توسعه اجتماع محور	توسعه اجتماع محور، چالش‌های جدید و تنگناهای پایدار	وی نتیجه می‌گیرد که رویکردهای فعلی به توسعه منطقه‌ای و روستایی ناقص است و شناخت بیشتر ارزش‌های جامعه، اشکال جدید مشارکت، سروکار داشتن با ادراکات محلی و رویکردهای جدید توسط دولت باید در دستور کار قرار گیرد.

با این وجود، تاکنون پژوهش علمی مستقلی برای تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت انجام نشده است. در طراحی و تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در ابتدا می‌بایست مبنای نظری متقنی به‌عنوان شالوده همه طرح‌های عملیاتی ساخته و پرداخته شود. در حقیقت این مبانی هماهنگ‌کننده و قوام‌بخش فعالیت‌های جهادگران بوده و از تناقضات و تضادهای احتمالی در عرصه عمل و اجرا جلوگیری می‌کند. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا با مبنا قرار دادن دلالت‌های موجود در رویکرد توانمندسازی اجتماع محور و با استفاده از ایده متخصصین و صاحب‌نظران حوزه حرکت‌های جهادی (در حوزه‌های علمی و عملیاتی)، الگوی مطلوبی برای این حرکت‌ها ارائه گردد.



۳- روش پژوهش

مطالعات مبنایی این پژوهش جهت استخراج دلالت‌های موجود در رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور، با روش اسنادی است. مراجعه به منابع کتابخانه‌ای در مرحله تحلیل مبنایی و استخراج دلالت‌ها به کار گرفته خواهد شد. از سوی دیگر و از آنجایی که هدف اصلی پژوهش استخراج الگویی مطلوب برای حرکت‌های جهادی مبتنی بر دلالت‌های مذکور است، مراجعه پژوهشگر به متن به تنهایی منجر به ارائه الگویی جامع در عرصه‌های مختلف نخواهد شد؛ لذا در مسیر طراحی این الگو از روش به اشتراک گذاری دانش نیز استفاده شده است. شیوه مورد استفاده در این مرحله گروه کانونی^۱ است. به این ترتیب که در مسیر طراحی الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی، جلساتی تخصصی با حضور متخصصین این حوزه برگزار شده و جهت تحلیل محتوای هر کدام از جلسات گروه کانونی از روش‌های تحلیل کیفی استفاده شده است.

گروه‌های کانونی، جلسات بحث سازمان‌دهی شده هستند که گروهی از افراد که بتوان به نظر آنان به عنوان کانون بحث موضوعی متمرکز شد، انتخاب می‌شوند، سپس از طریق مصاحبه گروهی، این افراد نظرها و تجربه‌های خود را بازنمایی می‌کنند. در واقع این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دستیابی به ذهنیت مشترک افراد اهمیت داشته باشد. در روش گروه کانونی گروهی از افراد انتخابی به وسیله محققین به منظور بحث و انتقاد از موضوعی که مورد تحقیق است، کنار هم چیده شده‌اند. گروه کانونی پرکاربردترین روش کیفی تحقیق و پژوهش در مطالعات اجتماعی، بازاریابی و مطالعات رسانه است. گروه‌های کانونی بر دیگر روش‌های پژوهش مشابه برتری دارند، زیرا هدف اصلی آن‌ها کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربه‌ها و واکنش افراد است که با روش‌های دیگر مانند مشاهده، مصاحبه فردی و پرسشنامه‌های پیمایشی قابل درک نیست. گروه کانونی اکتشافی^۲، گروه کانونی بالینی^۳ و گروه کانونی پدیدار شناختی^۴ از انواع گروه‌های کانونی هستند (Bloor, et al., 2002, p1). در پژوهش حاضر جهت اکتشاف الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی از گروه کانونی اکتشافی استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش متشکل از متخصصین علوم اقتصاد، مدیریت و فرهنگ است که در حوزه حرکت‌های جهادی فعال هستند. از میان این متخصصین، مبتنی بر روش گروه کانونی، نمونه‌ای شش نفره انتخاب شده و طی دو جلسه نظرات و ایده‌های ایشان برای استخراج الگوی فرایندی حرکت‌های جهادی مبتنی بر رویکرد

1. Focus Group
2. Exploratory
3. Clinical
4. Phenomenological



توانمندسازی اجتماع محور اخذ شده است.

از آنجایی که استخراج دلالت‌های مذکور با استفاده از روش اسنادی انجام شده و محصول تحلیلی نظری است، اعتبارسنجی کمی و آزمون پایایی در این بخش از تحقیق بی‌معناست. البته روایی سنجی چک‌لیست مفهومی تبیین مسئله در روش گروه‌کانونی با استفاده از نظر متخصصین این حوزه انجام شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- دلالت‌های رویکرد توانمندسازی اجتماع محور برای حرکت‌های جهادی

انجمن‌های داوطلبانه^۱ قدمت دیرینه‌ای در جهان دارند. این انجمن‌ها ساختارهای نهادینه شده یاریگری و مشارکت‌اند (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۹). گروه‌های جهادی نمونه‌ای بارز از این فعالیت‌های داوطلبانه است که باهدف رفع محرومیت و فقر از اجتماعات محلی به فعالیت می‌پردازند. به نظر می‌رسد بهره‌مندی از تجربه رویکردهای توانمندسازی اجتماع محور در رفع فقر می‌تواند به اثربخشی و کارآمدی این گروه‌ها یاری رساند. از این‌رو در ادامه درس‌های برآمده از اصول این برنامه‌ها برای حرکت‌های جهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

تأکید بر نقش محوری فقرا در شناخت فقر و راه‌های کاهش و کنترل آن، از جمله ارکان محوری رویکردهای اجتماع محور برای مقابله با چالش فقر در مناطق محروم به شمار می‌رود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۱). بر این اساس حرکت‌های جهادی نباید با برنامه‌ای از پیش تعیین شده و یکسان به درمان فقر در تمامی مناطق محروم بپردازند؛ چراکه جوامع همگن نیستند و به‌ندرت به یک‌صدا سخن می‌گویند (Gilchrist, 2009, p 32). لذا پیش از هر اقدامی، انجام مطالعات پیشین در زمینه شناخت بافت اجتماعی منطقه هدف و توان و ظرفیت‌های محلی هر منطقه ضروری به نظر می‌رسد.

از دیگر ارکان مهم رویکردهای اجتماع محور می‌توان به استفاده از ظرفیت مردم محلی برای سرمایه‌گذاری و کاربرد منابع درونی اشاره کرد (ESCAP, 2003). با این بیان حرکت‌های جهادی بسیج‌بایستی به شناخت و معرفی ظرفیت‌های بالقوه مناطق محروم به اجتماعات محلی هر منطقه بپردازند. از سوی دیگر توانمندسازی زنان و مردان فقیر و استفاده از ظرفیت‌های ایشان مستلزم حذف موانع نهادی رسمی و غیررسمی است که از بهبود رفاه آنان - چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی - جلوگیری و دامنه انتخاب ایشان را محدود می‌کنند (نارایان، ۱۳۹۴، ص ۲۶). در این راستا حرکت‌های جهادی باید ضمن مطالعات شناسایی که پیش از شروع عملیات میدانی انجام می‌دهند به یک

1. Voluntary Association



اشراف دقیق نسبت به ساختارها و نهادهای مرتبط با مناطق هدف دست یافته و در جهت اصلاح و یا حذف نهادهای مانع، گام بردارند.

یکی از جنبه‌های اساسی رویکرد توانمندسازی کاهش نابرابری از طریق توسعه قابلیت‌های انسانی (برای مثال از طریق آموزش فراگیر و مراقبت از سلامت به همراه اتخاذ تمهیدات لازم برای حمایت اجتماعی) و بهبود دارایی‌های ملموس مانند زمین یا دسترسی به سرمایه است (Stern, 2002). با توجه به اینکه فقر پدیده‌ای چندبعدی است به همین دلیل توجه به دارایی‌ها و قابلیت‌های مناطق محروم در این زمینه بسیار حائز اهمیت هستند. دارایی‌ها مبین دارایی‌های مادی به شکل دارایی‌های فیزیکی و مالی است. از سوی دیگر قابلیت‌ها، ویژگی ذاتی مردم است و آنان را قادر می‌سازد تا دارایی‌های خودشان را به روش‌های مختلف برای افزایش رفاه خود به کار گیرند. از مهم‌ترین قابلیت‌های انسانی می‌توان به بهداشت و سلامت، آموزش، تولید یا سایر دارایی‌های مهارت افزا اشاره کرد (نارایان، ۱۳۹۴، ص ۴۷). به عنوان نمونه در مطالعه‌ای که توسط اداره ارزیابی عملیات بانک (DED) انجام شد مشخص گردید که توانمندسازی از طریق مشارکت و بهره‌گیری از دارایی‌ها و قابلیت‌های مردم محلی برای مدیریت کالاهای عمومی مانند آب‌رسانی، بهداشت، جنگل‌ها، جاده‌های دسترسی، مدارس و مراکز سلامت از کارایی و عملکرد بهتری برخوردار بودند (Baume et al., 2001).

در راستای از بین بردن فقر و محرومیت و دستیابی به توسعه اجتماع محور، می‌توان مأموریت‌ها و نقش‌هایی را بر شمرده (جدول ۲) که در قالب حرکت‌های جهادی قابل دستیابی هستند (Gilchrist, 2009).

جدول ۲- مأموریت‌های پیشنهادی برای حرکت‌های جهادی متناسب با اهداف و دلالت‌های برآمده از رویکرد توانمندسازی اجتماع محور

اهداف و دلالت‌های برآمده از رویکرد توانمندسازی اجتماع محور	مأموریت و نقش پیشنهادی برای حرکت‌های جهادی
- کاستن از انزوا و تنهایی - افزایش سرمایه اجتماعی و همکاری	۱- کمک به مردم در جهت درک این موضوع که آن‌ها دغدغه‌های مشترکی در زمینه مسائل محلی یا سایر مسائل عمومی داشته و می‌توانند با کار یکدیگر و به دلخواه خود این مسائل را حل نمایند.
- ایجاد یا بهبود گروه‌های اجتماع محور حقیقی - افزایش فرصت‌ها برای فعالیت در اجتماع - فعالیت اجتماعی کارآمدتر	۲- کمک به مردم در جهت کار بر روی آن مسائل که اغلب از طریق ایجاد یا توسعه یک گروه اجتماع محور مستقل، حمایت از آنان در برنامه‌ریزی و اجرا و تشویق آنان به ارزیابی عملکرد خود به عنوان ابزاری برای بهبود کارآمدی، انجام می‌شود.



اهداف و دلالت‌های برآمده از رویکرد توانمندسازی اجتماع محور	مأموریت و نقش پیشنهادی برای حرکت‌های جهادی
تقویت: - بخش‌اجتماعات؛ - روحیه داوطلبی؛ - کمک متقابل و خدمات مستقل؛ - یادگیری بین گروه‌ها؛ - بهبود شرایط در آن محل	۳- حمایت و توسعه گروه‌ها از بخش‌های مختلف اجتماع نه به صورت آمرانه، بلکه از طریق چارچوب‌های اخلاقی و افزایش شبکه‌سازی بین گروه‌ها
افزایش یا تقویت: مشارکت؛ - سرمایه اجتماعی؛ - روحیه همکاری؛ - همبستگی اجتماعی	۴- ترویج ارزش‌هایی مانند برابری، جامعیت، مشارکت و همکاری در طول فعالیت‌ها
- درگیر شدن در مسائل اجتماعی و تأثیرگذاری در آن - بهبود تعاملات بین اجتماع و مسئولین - بهبود در همبستگی و کارآمدی سیاست‌های عمومی	۵- توانمندسازی مردم و نهادهای مردمی جهت تأثیرگذاری و تحول سیاست‌ها و خدمات عمومی و همچنین تمامی عوامل تأثیرگذار بر شرایط زندگی آنان
- افزایش ظرفیت سازمان‌های دولتی و متخصصین - بهبود در ارائه خدمات عمومی - افزایش منابع برای بخش اجتماعات	۶- اطلاع‌رسانی و ارائه مشاوره به مسئولین در خصوص دیدگاه‌های اجتماع و یاری‌رسانی به مسئولین جهت تقویت اجتماعات و شراکت واقعی با آنها

منبع: (17) CD Challenge group (2006, p 17) و یافته‌های پژوهش

۲-۴- الگوی توانمندسازی اجتماع محور حرکت‌های جهادی

همان‌گونه که در بخش روش پژوهش ذکر گردید، برای دستیابی به الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی از روش گروه کانونی بهره گرفته شد. حاضرین در این جلسات، نهایتاً الگویی فرایندی را پیشنهاد کردند که مبتنی بر این الگو می‌توان از دلالت‌های موجود در رویکرد توانمندسازی اجتماع محور در طراحی الگوی بهینه حرکت‌های جهادی استفاده کرد. حاضرین در این جلسات اتفاق نظر داشتند که در مقام تحقق اهداف محرومیت‌زدایی و مقابله با فقر، توجه به سه بعد اقتصادی تولید، توزیع و مصرف ضروری است. در واقع می‌توان گفت که در یک الگوی توانمندسازی اجتماع محور از حرکت‌های جهادی برای مبارزه با محرومیت و فقر و در راستای محقق شدن مأموریت‌ها و نقش‌های مشخص شده در بخش پیشین، ضروری است تا چرخه تولید، توزیع و مصرف با بهره‌گیری از دارایی‌ها و قابلیت‌های فردی و جمعی جامعه هدف و سامان‌دهی و بسیج آنها به درستی عمل کند. خروجی این جلسات به همراه برخی مطالعات تکمیلی پژوهشگران در ادامه آمده است.

۲-۴-۱- تولید نیاز محور

حرکت‌های جهادی با توجه به ماهیت بومی و مردمی، در گام نخست به شناسایی و تعریف مؤلفه‌های تولید متناسب با نیازهای هر منطقه پرداخته و در گام بعد ایجاد توازن



نسبی بین نیاز و دارایی‌ها و قابلیت‌های هر منطقه را به‌عنوان اصل محوری در تولید، مورد پیگیری قرار خواهد داد. همان‌گونه که اشاره شد یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های حرکت‌های جهادی بر خورداری از شبکه گسترده مردمی در مناطق مختلف و بومی بودن این حرکت‌ها است. این ویژگی از یک‌سو مناطق مختلف را در شناسایی موانع فرهنگی و منطقه‌ای تولید یاری کرده و از سوی دیگر به توانمندسازی و عدم وابستگی مناطق منجر خواهد شد.

پرداختن به کارهای غیرمولد و رانت‌جویانه، کم‌کاری و عدم توجه به کیفیت، از جمله آسیب‌هایی به شمار می‌روند که غالب نظام‌های تولیدی رایج به آن‌ها مبتلا هستند. حرکت‌های جهادی می‌توانند با از بین بردن این موانع فرهنگی نقش مهمی در رونق تولید مناطق ایجاد کنند. از سوی دیگر می‌توان گفت که مهم‌ترین راهبرد در رونق تولید مناطق توانمندسازی از طریق ایجاد توازن بین نیازها و منابع مناطق است. در این دیدگاه از هر ظرفیت تولید در هر مقیاسی استفاده خواهد شد. در یک اقتصاد مقاوم هدف غایی تولید دستیابی به خودکفایی از طریق به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های طبیعی و انسانی ملی است. در این راستا تولید می‌بایستی با پشتوانه بدنه مردمی، متناسب با نیازهای ضروری و استراتژیک برای دستیابی به خودکفایی انجام گیرد.

با توجه به استراتژی بهره‌گیری از دارایی‌ها و قابلیت‌های مردم بومی در حل مسائل و همچنین لزوم تأمین نیازهای منطقه، تجربه توانمندسازی برای تأمین نیازهای اساسی بر انواعی از راهبردهای تولید مشترک^۱ تأکید می‌کند. از جمله راهبردهای مناسب برای حرکت‌های جهادی در این راستا می‌توان به طراحی سازوکارهایی برای فراگیری و مشارکت از جمله خدمات‌رسانی به مردم اشاره کرد، به‌گونه‌ای که افراد فقیر بتوانند راهبردهای طرف تقاضا را به اجرا درآورند. توسعه و ارتقای پاسخگویی اجتماعی و ظرفیت‌های سازمانی محلی از طریق تفویض اختیار به گروه‌های اجتماعی و کنترل بر تصمیمات کلیدی و منابع مالی در پروژه‌های توسعه‌ای اجتماع محور از دیگر راهبردهای کلیدی در این حوزه به شمار می‌روند. موارد یادشده می‌توانند پروژه‌های فرا بخشی یا بخشی مانند تأمین آب روستایی، بهداشت یا آموزش باشند (نارایان، ۱۳۹۴، ص ۲۷). حرکت‌های جهادی بایستی تلاش کنند الزامات مورد نیاز جهت ایجاد فرصت‌های کسب درآمد از طریق فعالیت‌های مولد در منطقه را فراهم سازند. جهت این مهم می‌توان راهبردهای زیر را ارائه کرد: ایجاد و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری کوچک مقیاس، امکان به‌کارگیری پس‌اندازهای اندک بالقوه در امور تولیدی - که در گذشته مجاری

1. Co-production

2. Community- driven Development Projects



محدودی برای هدایت آن‌ها به سمت تولید وجود داشت - رافراهم می‌آورد (ILO, 1978, p52). علاوه بر این می‌توان به بهینه‌سازی کشاورزی اشتغال بر، تشکیل تعاونی‌های تولید و تعاونی‌های خدماتی و هم‌چنین تسهیل در کسب‌داری‌های مولد برای مثال حفر چاه‌ها و یا فراهم ساختن ابزارهای و وسایل لازم جهت فعالیت‌های غیر زراعی جهت افزایش فرصت‌های درآمدزای منطقه اشاره کرد (گریفین، ۱۳۹۴).

۴-۲-۲- توزیع عدالت محور

در حالی که منابع، وجوه و خدمات حمایتی بسیاری وجود دارد، تعداد کمی از جوامع به راحتی به آن‌ها دسترسی دارند. تشخیص دادن نیازها و فراهم کردن زیرساخت‌ها و تحویل خدمات از وظایف انجمن‌ها و سازمان‌های حامی اجتماع محسوب می‌شود؛ اما فراهم کردن خدمات تنها بخشی از برنامه است. برای کاهش فقر و محرومیت تنها ارائه خدمات و حمایت، کافی نیست بلکه به کار گرفتن خود جوامع در یک مشارکت خالص، به آن‌ها کمک می‌کند که در مورد مشکلات و چالش‌هایشان بازاندیشی شود و مهارت‌ها و منابع آن‌ها برای حل این مشکلات به کار گرفته شود (Cavaye, 2001). وجود برخی مشخصه‌ها در حرکت‌های جهادی، این حرکت‌ها را از یک ماهیت تمرکز زدای خوردار کرده است. ماهیتی که در نهایت کمک‌شایانی به تسهیل فرایند توزیع عادلانه منابع در کشور خواهد کرد. این حرکت‌ها وابسته به مشارکت عامه مردم و به خصوص ظرفیت و استعداد اقشار مختلف جامعه است. در کشورهایی که اختیارات، منابع و تصمیم‌گیری به سطوح پایین و گروه‌های سیاسی توسعه بسط پیدا کرده است برای اعضای جامعه، مشارکت در حکمرانی محلی، امکان‌پذیر است (نارایان، ۱۳۹۴، ص ۶۰).

مشخصه دیگر حرکت‌های جهادی، برخورداری از ماهیت شبکه‌ای و گسترده در راستای توزیع منابع میان اقشار مختلف جامعه است. شاخصه‌ای که در کنار مردمی بودن این حرکت‌ها، امکان رصد حقیقی مناطق مختلف کشور و آگاهی نسبت به ضعف و قوت مناطق را برای این حرکت‌ها فراهم کرده و در عمل امکان تحقق توزیع عادلانه را تسهیل خواهد کرد. به طوری که به واسطه وجود این شبکه گسترده به آسانی می‌توان نسبت به نیاز خاص یک روستای دورافتاده آگاهی یافته و در راستای رفع آن نیاز تصمیم‌گیری کرد. مجموع این ویژگی‌ها همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد به کاهش فاصله طبقاتی و از بین بردن توزیع ناعادلانه کمک خواهند کرد.

بر اساس بحث‌های صورت گرفته در جلسات گروه کانونی، در جهت تحقق هدف توزیع عادلانه منابع و توانمندسازی مناطق، ضروری است حرکت‌های جهادی دو فرایند را طی کنند: اول فرایند جذب منابع از مراکز انباشت آن و دیگری فرایند پخش و تسهیل در



رساندن این منابع به مناطق تشنه کشور. قبل از تشریح فرایندهای مذکور لازم است ذکر شود که منابع مذکور شامل انواع منابع مالی، منابع انسانی، قدرت اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری و... است. در این راستا منابع مالی لازم جهت سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از مواهب طبیعی در فعالیتهای مولد بایستی به حاشیه جغرافیایی و اقتصادی کشور جریان یابد. علاوه بر آن منابع انسانی جهت به فعلیت رساندن ظرفیتهای بومی مناطق و تلاش در جهت آبادانی و پیشرفت آنها نیز بایستی در کنار منابع مالی به گستره مناطق کشور به‌ویژه نقاط کمتر برخوردار تزریق شود. هم‌چنین منبع دیگری که در تحقق توزیع متوازن و عادلانه اقتصادی مؤثر است منبع قدرت جهت کنار زدن موانع فعالیتهای تولیدی و امکان مشارکت در عرصه اقتصاد ملی است.

فرایند دوم در راهبرد تمرکززدای حرکت‌های جهادی پخش و توزیع متوازن منابع و امکانات است. عدم توجه به نیازهای مردم در مناطق حاشیه‌ای و عدم رشد ظرفیتهای بالقوه آنان به علت عدم دسترسی به فرصت‌ها، منابع و امکانات، امری طبیعی خواهد بود. از این‌رو از طرفی فوریت و ضرورت تأمین نیازهای اساسی در این مناطق مطرح می‌شود و از سوی دیگر اهمیت تلاش در جهت به فعلیت رساندن ظرفیتهای مولد و توانمندسازی مردم در این زمینه در دستور کار قرار می‌گیرد. این دو امر یعنی تأمین نیازهای اساسی و اعطای توانایی لازم جهت به‌کارگیری استعدادهای بومی مناطق جهت انجام فعالیتهای مولد و رفع نیازهای منطقه از طریق آن، می‌توانند رقم‌زننده نظام توزیعی عادلانه‌تر و پیشرفتی فراگیر و پایدار در کشور باشد.

هدف تأمین نیازهای اساسی خود به دودسته تقسیم می‌شود: دسته اول نیازهای اساسی مصرفی افراد است که در رأس آنها خوراک و پوشاک و مسکن قرار دارد. دسته دوم خدمات عمومی اساسی است که خود شامل سلامتی، آموزش، حمل‌ونقل، عرضه آب و... است. در زمینه تأمین نیازهای مصرفی اولویت در استفاده از ظرفیتهای و منابع منطقه‌ای در جهت کفایت این نیازهاست. در زمینه تأمین خدمات عمومی اساسی نیز علاوه بر استفاده از منابع جذب‌شده، مشارکت مردمی در بسیج منابع و تشکیل سرمایه می‌تواند روند گسترش خدمات عمومی اساسی را تسریع کند (Streeten, 1981, p40).

۴-۲-۳- مصرف کفایت محور

با توجه به نظریات اقتصاد سرمایه‌داری مدرن که در دهه‌های اخیر مبنای بسیاری از مدل‌سازی‌های اقتصادی قرار گرفته است، هدف اصلی حرکت در اقتصاد متعارف، لذت‌گرایی و رسیدن به حداکثر لذت برای افراد است. در اینجا بهتر بودن مصرف بیشتر و از سوی دیگر تلاش در جهت حداکثر سازی تولید در جهت حداکثر کردن درآمد



یک دیدگاه و حداکثر سازی سود در دیدگاهی دیگر که لازمه هر دوی این‌ها حداکثر سازی مصرف است، معنا و مفهوم پیدا می‌کند (varian, 1992). در نظم معرفی شده توسط نظام سرمایه‌داری، مصرف امری مبتنی بر خواست است و نه مبتنی بر نیاز و این روند امروزه منجر به افراط‌گرایی در خرید کالاها شده است (Bocock, 1993, p 27). با ارزشمند شدن مصرف و مصرف‌گرایی، ارزش‌هایی مانند قناعت، اعتدال، زهد و... کم‌رنگ‌تر شده و این رویه باعث شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی می‌شود. کسانی که در جامعه ثروتمند هستند و به دلخواه مصرف می‌کنند از افرادی که فقیر هستند و توان خرید ندارند جدا می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷). این در حالی است که اسلام دین اعتدال و میانه‌روی است. از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن در مصارف شخصی در حد کفاف و شئون افراد کرده و از طرف دیگر از رفتارهای نابهنجار اسراف، تبذیر، اتلاف، کنز و ثروت‌اندوزی بر حذر داشته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸). از طرف دیگر بر اساس دلالت‌های رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور لازم است که به توانمندسازی در حوزه مصرف برای مناطق هدف نیز پرداخته شود. توانمندسازی در حوزه مصرف بر مهارت‌ها، شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها، حقوق و توانایی‌های مصرف‌کنندگان و مشارکت آنان تأکید دارد (Hunter, Harrison and Waite, 2006).

به عبارت دیگر توانمندسازی مردم مناطق هدف حرکت‌های جهادی از جنبه زندگی مصرفی که می‌تواند اثر قابل توجهی بر کاهش محرومیت آنان داشته باشد مستلزم سه امر است: مصرف‌کنندگان هنگام خرید نسبت به تصمیمشان آگاه باشند، مصرف‌کنندگان قادر باشند که اطلاعات لازم برای خرید را به دست آورند و در نهایت مصرف‌کنندگان از حمایت کافی برخوردار باشند (BUFSCE, 2008, p 30).

حرکت‌های جهادی در این زمینه باید رقم زننده تحولات عظیم رفتاری و فرهنگی باشند؛ چراکه نفوذ و دایره شمول این حرکت‌ها در کل کشور فضای لازم جهت تحولات بینشی و فرهنگی را فراهم می‌آورد. در این زمینه بر اساس بحث‌های صورت گرفته در جلسات گروه کانونی مطابق با رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور، می‌توان سه تحول عمیق را به عنوان مقصد در نظر گرفت که عبارت‌اند از: احیای فرهنگ خودمصرفی، از بین بردن توقع سبک زندگی مدرن شهری و احیای فرهنگ قناعت در بین مردم.

در بیشتر مناطقی که اردوهای جهادی به فعالیت می‌پردازند سه مؤلفه ذکر شده در بافت فرهنگی آنان وجود داشته است؛ اما با توجه به مواجهه این مناطق با زندگی شهری و مدرن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، کم‌رنگ شده است (مقصودی، ولدان، ۱۳۹۴). از این‌روست که حرکت‌های جهادی می‌توانند به احیا و باز تولید این ارزش‌ها متناسب با



۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

مبحث ناکارآمدی برنامه‌های اجتماع‌محور مبتنی بر توانمندسازی برای مبارزه با فقر پس از ناکامی برنامه‌های متمرکز و سیاست‌های بالا به پایین دولتی به یکی از جدی‌ترین حوزه‌های مطالعات توسعه در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. در رویکرد اجتماع‌محور، توانمندسازی محرومین و مشارکت آن‌ها در فرایند رفع فقر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماع‌محور که در سال‌های اخیر فارغ از سیاست‌های دولتی با هدف رفع محرومیت در کشور به فعالیت می‌پردازد، حرکت‌های داوطلبانه جهادی است که اقشار مختلف جامعه بدان مبادرت می‌ورزند. بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد، تاکنون پژوهش علمی و جامعی در خصوص تدوین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی برای مقابله با فقر و محرومیت صورت نگرفته است، لذا در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دلالت‌های موجود در رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور، تلاش شده است تا الگویی مطلوب برای حرکت‌های جهادی ارائه گردد؛ بدین منظور در ابتدا ساختار و ظرفیت‌های هریک از رویکردهای اجتماع‌محوری و توانمندسازی برای مقابله با فقر و محرومیت مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته و پس از ارائه وضعیت موجود حرکت‌های جهادی بسیج با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل نظری منابع، دلالت‌های رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور برای دستیابی به الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی استخراج گردید.

دلالت‌ها و اهداف برآمده از رویکرد مذکور عبارت‌اند از: ۱- کاستن از انزوا و تنهایی؛ ۲- افزایش سرمایه اجتماعی و همکاری؛ ۳- ایجاد یا بهبود گروه‌های اجتماع‌محور حقیقی؛ ۳- افزایش فرصت‌ها برای فعالیت در اجتماع؛ ۴- فعالیت اجتماعی کارآمدتر؛ ۴- تقویت بخش اجتماعات، روحیه داوطلبی، کمک متقابل و خدمات مستقل، یادگیری بین گروه‌ها، بهبود شرایط در آن محل؛ ۵- افزایش یا تقویت مشارکت، سرمایه اجتماعی، روحیه همکاری و همبستگی اجتماعی؛ ۶- درگیر شدن در مسائل اجتماعی و تأثیرگذاری در آن؛ ۷- بهبود تعاملات بین اجتماع و مسئولین؛ ۸- بهبود در همبستگی و کارآمدی سیاست‌های عمومی؛ ۹- افزایش ظرفیت سازمان‌های دولتی، مسئولین و متخصصین در زمینه کار با اجتماعات؛ ۱۰- بهبود در ارائه خدمات عمومی و ۱۱- افزایش منابع برای بخش اجتماعات.

۵-۲- نتیجه‌گیری

در ادامه مسیر پژوهش و مبتنی بر جلسات گروه کانونی الگویی که مبتنی بر دلالت‌ها و اهداف مذکور باشد در سه بعد تولید، توزیع و مصرف ارائه گردید. ۱- تولید: شناسایی



و تعریف مؤلفه‌های تولید متناسب با نیازهای هر منطقه، ایجاد توازن نسبی بین نیاز و دارایی‌ها و قابلیت‌های هر منطقه به‌عنوان اصل محوری در تولید، شناسایی موانع فرهنگی و منطقه‌ای تولید (همچون پرداختن به کارهای غیرمولد و رانت‌جویانه، کم‌کاری و سبیل‌کاری) و از سوی دیگر توانمندسازی و عدم وابستگی مناطق محروم به مرکز، بخشی از مؤلفه‌های الگو در بخش تولید به‌شمار می‌روند؛ ۲- توزیع: مبارزه با تمرکز منابع و تلاش جهت توزیع عادلانه، تأمین حداقل نیازهای مصرفی و پرهیز از القای فقر در رفع نیازها، مشارکت مردمی در تحرک و تخصیص منابع (همچون بهینه‌سازی کشاورزی اشتغال بر، تشکیل تعاونی‌های تولید و تسهیل در جذب دارایی‌های مولد)، ایجاد و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری کوچک‌مقیاس و امکان به‌کارگیری پس‌اندازهای اندک بالقوه در امور تولیدی بخشی از مؤلفه‌های الگو در بخش توزیع به‌شمار می‌روند؛ ۳- مصرف: زمینه‌سازی فرهنگ مصرف مقاومتی از طریق احیای فرهنگ خودمصرفی در مناطق، از بین بردن توقع سبک زندگی شهری و تلاش در جهت احیای فرهنگ قناعت در مناطق برخی از مؤلفه‌های الگوی مطلوب در بخش مصرف به‌شمار می‌روند.

۵-۳- پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان وظایف و مأموریت‌هایی منسجم و دقیق برای نهادهای متولی حرکت‌های جهادی پیشنهاد کرد که عبارت‌اند از:

۱- کمک به مردم در جهت درک این موضوع که آن‌ها دغدغه‌های مشترکی در زمینه مسائل محلی یا سایر مسائل عمومی داشته و می‌توانند با کار یکدیگر و به‌دلخواه خود این مسائل را حل نمایند؛

۲- کمک به مردم در جهت کار بر روی آن مسائل که اغلب از طریق ایجاد یا توسعه یک گروه اجتماع‌محور مستقل، حمایت از آنان در برنامه‌ریزی و اجرا و تشویق آنان به ارزیابی عملکرد خود به‌عنوان ابزاری برای بهبود کارآمدی، انجام می‌شود؛

۳- حمایت و توسعه گروه‌ها از بخش‌های مختلف اجتماع نه به‌صورت آمرانه، بلکه از طریق چارچوب‌های اخلاقی و افزایش شبکه‌سازی بین گروه‌ها؛

۴- ترویج ارزش‌هایی مانند برابری، جامعیت، مشارکت و همکاری در طول فعالیت‌ها؛

۵- توانمندسازی مردم و نهادهای مردمی جهت تأثیرگذاری و تحول سیاست‌ها و خدمات عمومی و همچنین تمامی عوامل تأثیرگذار بر شرایط زندگی آنان؛

۶- اطلاع‌رسانی و ارائه مشاوره به مسئولین در خصوص دیدگاه‌های اجتماع و یاری‌رسانی به مسئولین جهت تقویت اجتماعات و شراکت واقعی با آن‌ها.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

۱. اخوان، محمدعلی (۱۳۸۹)؛ «اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی»، تهران، مرکز پژوهش‌های اردوهای جهادی.
۲. اخوان، محمدعلی (۱۳۹۰)؛ «اصول مدیریت اردوهای جهادی»، تهران، به سفارش مرکز مطالعات راهبردی و هدایت حرکت‌های جهادی.
۳. ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۸۶)؛ «اسکان غیررسمی جلوه‌ای از توسعه ناپایدار شهری»، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر مظفر صراف‌ی و ژیلای سجاد.
۴. ایران‌دوست، تکنه و شلمانی (۱۳۹۰)؛ «رهنامه جهادی در عرصه عمرانی»، به سفارش مرکز مطالعات راهبردی و هدایت حرکت‌های جهادی، تهران، انتشارات خادم‌الرضا.
۵. جباری، حبیب (۱۳۸۴)؛ «رویکردهای اجتماع‌مدار در برنامه‌های کاهش فقر»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۲۹۷-۲۶۳.
۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ «توسعه و تضاد»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۷. ظریفیان، شاپور، امیرانی، محمدهادی (۱۳۸۲)؛ «نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی»، مجله جهاد، خرداد و تیر، شماره ۹۷.
۸. عبدالهی، عیوض (۱۳۸۴)؛ «تحلیل مشارکت تشکلی‌های مردمی و محلی در برنامه‌ریزی‌های تسهیلگری پیرامون توسعه پایدار روستایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. علی‌الحسابی، مهران (۱۳۹۰)؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.
۱۰. فنی، زهره، صادقی، یدالله (۱۳۸۸)؛ «توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرایند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: اسلام‌آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی آمایش محیط، دوره ۲، شماره ۷، ۷۳-۵۷.
۱۱. فیروزآبادی، سید احمد، جعفری، محسن (۱۳۹۵)؛ «مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش‌روی توسعه اجتماع‌محور روستایی، مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد»، دو فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره ۷، ۱۷۳-۱۵۳.
۱۲. قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۴)؛ «رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۲۶۱-۲۲۳.
۱۳. قنبری، مرضیه، اخوان، محمدعلی (۱۳۹۰)؛ «رهنامه جهادی در عرصه آموزشی دفتر دوم»، به سفارش مرکز مطالعات راهبردی و هدایت حرکت‌های جهادی، تهران، انتشارات خادم‌الرضا.



۱۴. گریفین، کیت (۱۳۹۴)؛ «راهبردهای توسعه اقتصادی»، راغفر، حسین، هاشمی، محمدحسین، تهران، نشر نی.
۱۵. مبارکی، حسن (۱۳۷۴)؛ «جایگاه سازمان‌های محلی در توسعه همه‌جانبه روستایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)؛ «الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث»، قم، انتشارات دارالحدیث.
۱۷. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۹)؛ «جماعت‌گرایی و برنامه‌های جماعت محور»، تهران، شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
۱۸. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۴)؛ «ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران»، تهران، نشر آگاه.
۱۹. مقصودی، حمیدرضا، ولدان زرقانی، احسان (۱۳۹۴)؛ «طراحی و تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی برای تحقق اقتصاد مقاومتی»، تهران، به سفارش پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، مرکز مطالعات ارتش بیست‌میلیونی.
۲۰. مقیمی، محمد (۱۳۸۳)؛ «کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی، پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. نارایان، دیپا (۱۳۹۵)؛ «توانمندسازی و کاهش فقر: کتاب مرجع بانک جهانی»، پور اصغر سنگاچین، فرزام، رضانی، جواد، تهران، انتشارات کریم‌خان زند.

۶-۲- منابع لاتین

1. Alkire, S. et al. (2004) 'Community-Driven Development', CDD Chapter of the PRSP Sourcebook.
2. Baume, Elaine, Mercedes Juarez, and Hilary Standing. (2001), "Gender and Health Equity Resource Guide." University of Sussex, Institute of Development Studies, Brighton, U.K.
3. Bloor Michael, Frankland Jane, Thomas Michelle, Robson Kate (2001), **Focus Groups in Social Research**, SAGE Publications, London
4. Bocoock, Robert, (1993), **Consumption**. Routledge.
5. Bowles, Melanie(2008) **The Community Development Challenge: Democracy; The Contribution of Community Development to Local Governance and Democracy**, London: The Great Britain
6. Burgess, Rod, Marisa Carmona & Theo Kolstee, (1997) **Contemporary Policies for Enablement and Participation: A Critical Review in:** Borgess, Rod and at.al (Eds).
7. BUFSC, (2008) **Benchmarking the UK Framework Supporting Consumer Empowerment**, A report prepared for BERR by the ESRC Centre for Competition Policy, University of East Anglia Norwich.



8. Cavaye Jim. (2001), **Rural Community Development**; New Challenges and Enduring Dilemmas. No.31, Journal of Regional Analysis and Policy.
9. CD Challenge group (2006), **The Community Development Challenge report**, London: Department for Communities and Local Government.
10. ESCAP, (March 2003), **Poverty ALLEVIATION Initiative**.
11. Gilchrist Alison. (2009). **The well-connected Community**; A Networking Approach to Community Development, London: The Great Britain.
12. Harrison, Tina, Kathryn Waite and Gary L. Hunter (2006), **“The Internet, Information and Empowerment,”** European Journal of Marketing, 40 (9/10), 972–993.
13. **International Labor Organization Report**, (ILO), 1978.
14. Narayan, Deepa (1995) **Designing Community Based Development**, Washington DC: World Bank.
15. Pugh, Cedric (2002), **Squatter Settlements, Their Sustainability, Architectural Contributions, and Socio-Economic Roles**, In Cities vol. 17, no 5.
16. Sen, Amartya K. (1999), **Development as Freedom**, Oxford: Oxford University Press.
17. Sen, Amartya K. (1985), **Commodities and Capabilities**, Oxford: Elsevier Science Publishers.
18. Slaymaker, T and Christiansen, K. (2005), **Community-based approaches and service delivery: Issues and options in difficult environments and partnerships**, Water Policy Programme, Overseas Development Institute.
19. Stern, N. (2002), **‘The Role and Effectiveness of Development Assistance: Lessons from World Bank Experience’**, Research Paper from the Development Economics Vice Presidency (Mimeo, Washington DC).
20. Streeten, Paul, (1981). **Development perspectives**, New York: St. Martin's Press.
21. UNDP (2011), **Human Development Report**, N. Y. & Oxford: Oxford University PRESS.
22. UNDP (1995), **Human Development Report 1995: Gender and Development**, N. Y. & Oxford: Oxford University PRESS.
23. Varian, hal, R. (1992), **Microeconomic Analysis**, Norton, 3rd edition.

